

بیزار از جهان دیگران

[نگاهی به کاریکاتورهای هری لامر تینک]

سیدامیر سقراطی

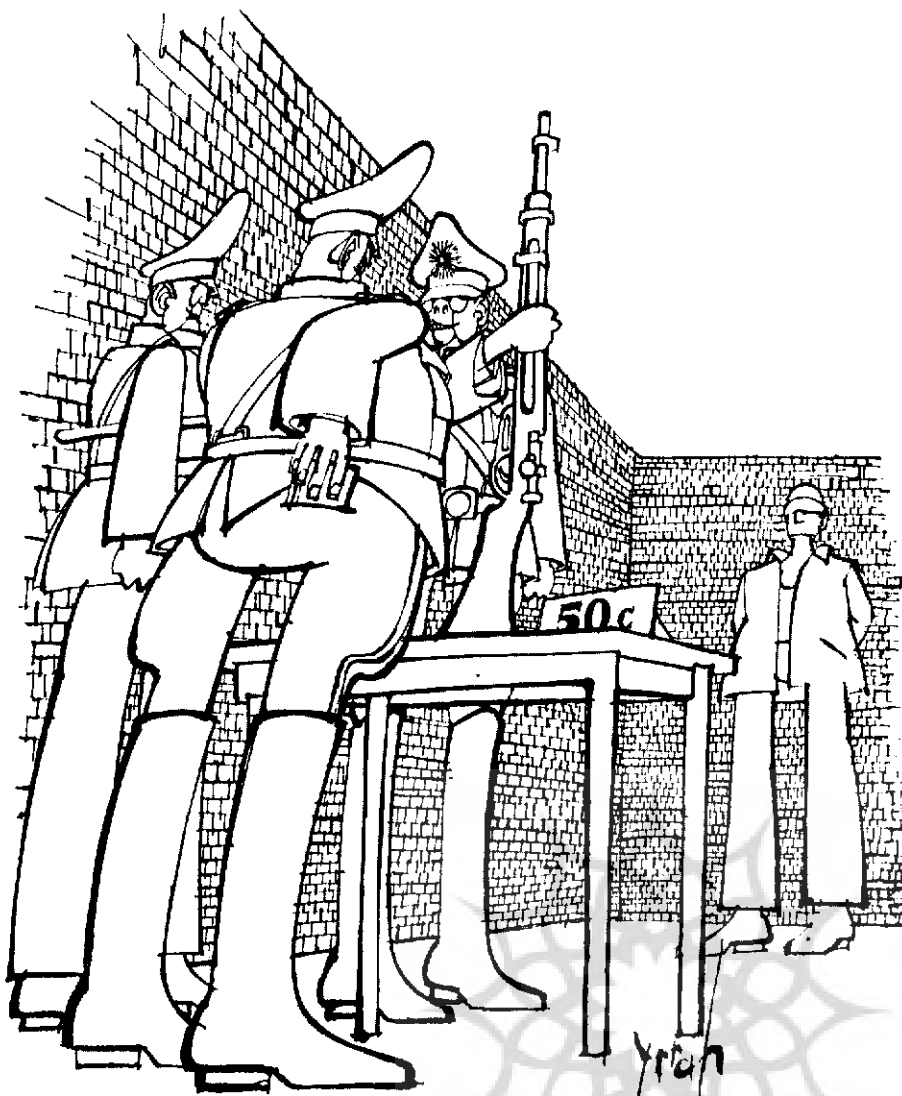
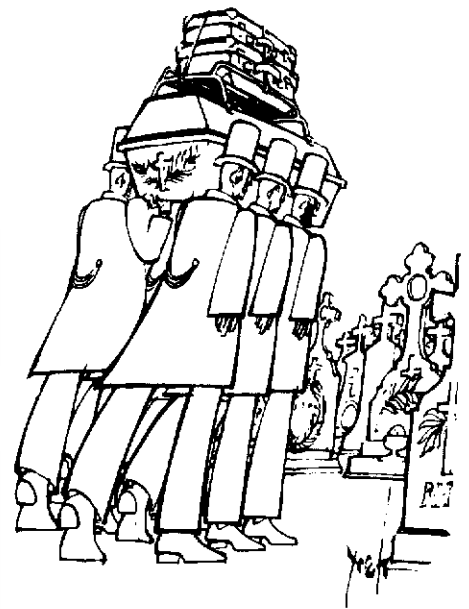
است: خروج نظامیان امریکایی از ویتنام، وقوع انقلاب در کشورهای جهان سوم، فروش اسلحه به کشورهای درگیر جنگ داخلی، حمله ارتش امریکا به کامبوج و لائوس، کودتای نظامی در شیلی و در پی آن کشته شدن سالوادور آلنده، افتضاح واترگیت، افزایش بی سابقه قیمت نفت به وسیله آپک، روزهای داغ چپ‌اندیشی در فرانسه، خروج و فرار روشنفکران منتقد کمونیسم از شوروی، جنبش‌های آزادی زنان و حمایت از سقط جنین، ...

اینها سوژه‌هایی مناسب برای کاریکاتور بودند؛ چون همواره واژه دموکراسی از وضعیتی به وضعیت دیگر در حال تغییر و تفسیر بود. کاریکاتور، به عنوان هنر منتقد استبداد، همیشه در میدان حاضر بود تا هم مطلق‌اندیشی را دست بیندازد و هم تصویرگر ورطه‌ای شود که انسان معاصر بر لبه پرتگاه آن ایستاده بود. انسان معاصر دهه ۷۰، برای حق‌خواهی و عدالت‌جویی و مبارزه با خشم، خود تبدیل به بخشی از پروسه خشم شده و به آن خو گرفته بود و کاریکاتوریست در این میان ماهیت خشم و نفرت را برملا می‌کرد تا انسان معاصر از حضور خود در چنین ورطه‌ای آگاه شود. از این رو، تاریخ قرن بیستم را می‌توان در کاریکاتورهای کاریکاتوریست‌های این قرن جستجو و پیدا کرد. آن روزها کاریکاتوریست معاصر بودن یعنی آگاه بودن از شرایط زیستن در مهلکه‌ای به نام جهان پس از جنگ. و این جهان، برای رسیدن به خوشی و آینده‌ای مطمئن، به دنبال پایه‌گذاری نظم‌ونسقی مُجددانه بود که همین پایه‌گذاری خود باعث به وجود آمدن درگیری‌ها، خشونت‌ها و ویرانگری‌ها می‌شد. در این میان کاریکاتور

کلنجار رفتند. تردید نسبت به همه حماقت‌ها، دروغ‌ها و خشونت‌هایی که قرار بود، وعده جهان بهتر برای ساکنین آن باشد!

نقاشی‌ها، پوسترها و کاریکاتورهای فراوانی را در قرن بیستم، بخصوص نیمه دوم این قرن، دیده‌ایم که مضمون اصلی آنها نگاه تردیدآمیز به اعمال سیاستمداران و، به طور اخص، به زندگی بوده است. نگاهی تردیدآمیز همراه با ریشخندی که گاه تا مرز هجوهای هتاکانه پیش رفته است. کاریکاتور به دلیل برخورداری از طنزی گستاخ، که تردید شاکله اصلی چنین طنزی است، بیشتر از دیگر هنرها به سیاست و سیاستمداران هجوم برده است. تردید نسبت به همان دروغ‌ها، خشونت‌ها، وحشی‌گری‌ها، ویرانی‌ها و تباهی‌های بسیار، که جواهر لعل نهر در نام‌اش به آنها اشاره کرده است. تردید و نگاه شکاکانه مسأله اصلی کاریکاتور نیمه دوم قرن بیستم است؛ و دهه ۷۰، در این نیمه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چون جهان روزهای پرتلاطم و پرفرازونشیبی را از سر گذرانده

جواهر لعل نهر، چهارده سال و نیم پس از پایان جنگ جهانی اول (۲۶ آوریل ۱۹۳۳)، در یکی از نامه‌هایی که از زندان برای دخترش می‌نویسد، فضای حاکم بر روزگار جنگ را چنین توصیف می‌کند: «جنگ سرابای افکار و عقایدی را که ما با آن پرورش یافته بودیم، مرتعش ساخت و ما را، حتا درباره مبانی اجتماع و تمدن جدید، به شک و تردید افکند. ما دیدیم که چگونه انبوه کثیری از جوانان جهان نابود شدند. ما شاهد دروغ‌ها، خشونت‌ها، وحشی‌گری‌ها، ویرانی‌ها و تباهی‌های بسیار بودیم و از خود می‌پرسیدیم که: آیا پایان تمدن فرا رسیده است؟»^۱ این که چرا تجربه جهان‌سوز و عالم‌گیر جنگ اول باز هم تکرار شد و این امر اجتناب‌ناپذیر بوده است یا خیر، مسأله این نوشتار نیست. اما تجربه‌ای که انسان درگیر در جنگ اول با آن روبه‌رو شد، درباره انسان درگیر جنگ دوم هم می‌تواند صادق باشد.^۲ تردید تجربه‌ای است که انسان‌های درگیر در هر دو جنگ با آن روبه‌رو شدند و برای رسیدن به یقین با آن



نمی‌توانست به سمت شوخ‌طبعی‌های بوالهوسانه و متفنانانه برود، چون با طنز، تردید و اغراق، جهانی یکسره وحشت، تباهی و تنهایی را به تصویر می‌کشید.

تاریخ کاریکاتور نام و یاد هنرمندان بسیاری را در حافظه خود زنده نگه داشته است که در سال‌های جنگ سرد بر اصول فناپذیر انسانی و اخلاقی بیشتر از قواعد ایدئولوژیکی و سیاسی تأکید کردند: براد هالند، هانس گورگ راک، کاردون، اوژن میهانسکو، ژان گورملمن، ... هری لامرینک^۱ یکی از همین کاریکاتوریست‌های نامدار در دوران طلایی کاریکاتور است. او با نام مستعار^۲ «ایران» کمتر شناخته شده است. وی را تنها با چند کاریکاتوری می‌شناسیم که از او با امضای «ایران» در نشریات قبل و بعد از انقلاب چاپ شده است (در واقع، اگر «ایران» را برعکس بخوانید، همان هری است). کاریکاتورهایی که همگی با زاویه دید از پایین خلق شده‌اند. کاریکاتورهایی که به دلیل همین انتخاب زاویه دید، هولناک جلوه می‌کنند.

«ایران» ۷ نوامبر ۱۹۳۲، در آبلدورن هلند به دنیا آمد و ۲ مارس ۱۹۹۶، در آمستردام درگذشت. او از ۱۹۵۵، با نشریات معتبر جهان به همکاری مشغول شد. کودکی و نوجوانی وی در دوران سخت و مشقت‌بار جنگ جهانی دوم گذشت. زندگی بسیار سخت «ایران» پیش از مطرح شدن به عنوان یک کاریکاتوریست، شاید بر نحوه نگرش او به جهان و بعدها بر کاریکاتورهای طنز سیاه وی بی‌تأثیر نبوده باشد. آثار «ایران» در همان نگاه اول بسیار جدی و هولناک‌اند. در کاریکاتور معروفی از او با عنوان تیراندازی به زندانی، که در ۱۹۷۲، در نشریه اوپوس^۳، در فرانسه

چاپ شده است، با نگاه انتقادی «ایران» نسبت به جهان سیاسی حاکم بر دهه ۷۰، آشنا می‌شویم. او، همچنان که از روی جنایات غیر انسانی حاکمان خودکامه پرده برمی‌دارد، آنان را دست می‌اندازد و حقیر بودن اندیشه‌شان را بر ملا می‌سازد. طراحی در آثار «ایران» هر چند طنزآمیز است، اما از دفرمه‌های شدید و چهره‌های کمیک نهی است. این خود بر جدی بودن مضمون آثارش می‌افزاید. کاراکترهای آثار او بی‌چهره‌اند و نمی‌توان آنها را به منطقه و کشور خاصی نسبت داد. همین بی‌چهرگی بر مسخ‌شدگی انسان دهه ۷۰، صحنه گذاشته است. اما در کاریکاتور، القای احساس یا مفهوم نیت و اعمالی همچون خیانت، رذالت، آشفستگی، مهربانی و نظایر آن بر عهده چهره است. در کاریکاتورهای «ایران» پیکره باز اصلی انتقال احساس یا مفهوم را در بر دارد. او پیکره را با خطوطی محکم و موجز به تصویر می‌کشد. خطوط محکم، مؤثر و قاطع، با بیان‌کننده آثارش قرابت و همخوانی دارد و همچنین ارزش‌های بصری و تیرگی و روشنی در جان خط‌هایش مستور است. «ایران» حتی در کاریکاتورهایی که سیاسی نیستند (مانند کاریکاتور ازدواج، که در کتاب جشنواره کاریکاتور گابروو^۴ چاپ شده است)، از تردید، بی‌چهرگی و زاویه دید پایین بهره می‌گیرد. برای او جهان و مناسباتش بیرون از اخلاقیات متأثر از جهان سیاست‌زده پس از دوران جنگ معنا ندارد. وی هر آنچه را که در این جهان از انسان معاصر سر می‌زند، با نگاه طنزآمیز، شکاک، معنایاب و حقیقت‌جو به نقد و چالش می‌کشاند.

«ایران» بیزار از جهان دیگران، جهان خود را پایه‌گذاری و

خلق می‌کند. او، همچنان که از جهانی که دیگران فراهم آورده‌اند، بیزار است، اما این بیزاری را به تصویر می‌کشد. جهانی خلق می‌کند که متعلق به خودش است: جهان «ایران». جهان او آینده‌ای است تا این بیزاری را به ما نشان دهد. انگشت روی حماقت‌ها و نفرت‌هایی می‌گذارد که غیر انسانی‌اند. اما تلخی جهان کاریکاتوریست از تلخی جهانی است که در آن زندگی می‌کند. آینده خطایی ندارد و، از این رو، جهان اندیشه هنرمند، پلید و تباه نیست. او این پلیدی‌ها و نفرت‌ها را به ما می‌نماید. آینده‌ای است که خود از زشتی میراست.

کاریکاتور در نیمه دوم قرن بیستم، علاوه بر جنبه تردیدنگارانه، از جنبه خصلت تاریخی هم قابل توجه و اعتناست. آیا کاریکاتور اکنون جهان از این منظر برای آیندگان قابل اهمیت خواهد بود؟

پی‌نوشت

۱- نگامی به تاریخ جهان، جواهر لعل نهرو؛ ترجمه محمود تقضلی، انتشارات امیرکبیر، جلد سوم، ص ۱۳۲۰.

۲- بدیهی است که انسان درگیر در جنگ الزاماً انسان زمان حادث شدن جنگ نیست و انسان سال‌های پس از آن را هم شامل می‌شود. جنگ سرد، که تا ۱۹۹۰، ادامه یافت، به عنوان پس‌لرزه‌های تکان‌دهنده جنگ شوم جهانی دوم، ساکنین جهان را متأثر و مرعوب خود کرده بود.

4. Harry Lammerink.

5. Yrrah.

6. Opus.

7. Gabrovo.